



قیمت افراد

بند چهاردهم مصوبه دلالت بر این امر دارد که باید در قوانین جهت کاهش عناوین جرایم و استفاده از مجازات زندان بازنگری صورت گیرد.

این امر مدلل این مطلب است که از بدو مشروطیت تا کنون علیرغم وضع مقررات مختلف کیفری و شدت مجازات و پر کردن زندانها و گسترش تشکیلات قضایی نتایج مطلوبی حاصل نشده است.

نیاید از بازگشت دادستان به عرصه تشکیلات کیفری این گونه تبلیغ شود که مقصود اصلی شدت وحدت برخورد بیشتر نسبت به متهمین در مرحله اتهام می باشد بدیهی است تا موقعی که شخصی محکومیت قطعی پیدا نکرده باب برائت برای او باز و شخصیت وی باید مورد احترام قرار گیرد دادستان، مدعی العموم است و متهم نیز عضوی از جامعه می باشد یکی از جامعه شناسان عقیده دارد قیمت هر کشوری بستگی به قیمت افراد آن محیط دارد در مقام اصلاح جامعه بوسیله کیفر، قدری هم باید در مقام برآورده کردن نیازهای روحی و جسمی و تربیت منطقی افراد برآمد. زیرا ما امروزه شاهدیم که کشور علیرغم اینکه از جمله کشورهای است که در احاطه قوانین و مقررات انبوه می باشد اما معایب و مشکلات کماکان برجاست. پس به تجربه دریاقتیم که قوانین و مقررات به تنهایی توان اصلاح افراد را ندارند. برای دفاع از حقوق جامعه لازم نیست که حقوق متهم که در موقعیت تعقیب و تحقیق است نادیده گرفته شود. یکی از دانشمندان عقیده دارد که می توان ادعا کرد حتی تولید جرائم و مقررات مربوط به امور کیفری بی ارتباط به عدم معرفت کامل به شخصیت متهم و تخلف از شرایط محیطی و معیشتی وی نیست.

و مقررات مربوط بر اساس آن و رسیدگی ماهوی قضایی به همه دادخواهیها و تظلمات.

۶- کاستن مراحل دادرسی به منظور دستیابی به قطعیت احکام در زمان مناسب.

۷- یکسان سازی آیین دادرسی در نظام قضایی کشور با رعایت قانون اساسی.

۸- اصلاح و تقویت نظام نظارتی و بازرسی قوه قضائیه بر دستگاههای اجرایی و قضایی و نهادها.

۹- استفاده از روش داوری و حکمیت در حل و فصل دعاوی.

۱۰- بالا بردن سطح علمی مراکز آموزشی حقوقی متناسب با نظام قضایی کشور، بالاترین دانش حقوقی قضات، تقویت امور پژوهشی قوه قضائیه و توجه بیشتر به شرایط مادی و معنوی متصدیان سمتهای قضایی.

۱۱- بالا بردن سطح علمی و شایستگی اخلاقی و توان علمی ضابطان دادگستری و فراهم ساختن زمینه برای استفاده بهینه از قوای انتظامی.

۱۲- تأمین نیازهای قوه قضائیه در زمینه های مالی، تشکیلاتی و استخدامی با توجه به اصول ۱۵۶، ۱۵۷، ۱۵۸ قانون اساسی.

۱۳- تعیین ضوابط اسلامی مناسب برای کلیه امور قضایی از قبیل قضاوت، وکالت، کارشناسی و ضابطان و نظارت مستمر و پیگیری قوه قضائیه بر حسن اجرای آنها.

۱۴- بازنگری در قوانین در جهت کاهش عناوین جرایم و کاهش استفاده از مجازات زندان.

۱۵- تنقیح قوانین قضایی.

۱۶- گسترش دادن فرهنگ حقوقی و قضایی جامعه.

۱۷- گسترش دادن نظام معاضدت و مشاورت قضایی.

در سال ۸۱ تشکیلات قضایی کشور به موجب مقررات مختلفی در آستانه تغییر قرار گرفت خصوصاً در بخش کیفری که محاکم عمومی و انقلاب پس از طی یک دوره هفت ساله نه تنها اهداف اعلام شده در جهت حذف دادسرا تحقق نیافت بلکه خلأ وجودی دادسرا و مدعی العموم با ظرفیت های قانونی آنگونه محسوس گردید که مدیریت جدید قوه قضائیه اعاده تشکیلات دادستانی را از جمله تحقق بخشی از شعار توسعه قلمداد کردند.

این نیاز بقدری تأکید شد که ارباب وضع و اجراء قوانین بر تشکیل دادسرا حتی بدون آئین دادرسی کیفری مناسب به توافق رسیدند.

مصوبه دیگری که نباید از نظر دور داشت و عموم فعالیت ها و سیاستگذاری های قوه قضائیه ضرورتاً باید با ابتناء بر آن صورت پذیرد سیاستهای کلی قضایی است که در سال ۸۱ به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام در ۱۷ بند رسید.

سیاستهای کلی قضایی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام:

۱- اصلاح ساختار نظام قضایی کشور در جهت تضمین عدالت و تأمین حقوق فردی و اجتماعی همراه با سرعت و دقت با اهتمام به سیاستهای مذکور در بندهای بعدی.

۲- نظام مند کردن استفاده از بینه و یمین در دادگاهها.

۳- استفاده از تعدد قضات در پرونده های مهم.

۴- تخصصی کردن رسیدگی به دعاوی در سطوح مورد نیاز.

۵- تمرکز دادن کلیه امور دارای ماهیت قضایی در قوه قضائیه با تعریف ماهیت قضایی و اصلاح قوانین